

کره جنوبی در حال یافتن جایگاه خود در عرصه جهانی

منبع: مک کینزی

مترجم: مانا مصباحی



چکیده

داستان‌های زیادی از معجزات اقتصادهای آسیایی گفته می‌شود؛ اما شاید جذاب‌ترین و البته کم مورد توجه‌ترین اقتصاد به سرعت در حال رشد منطقه، اقتصاد کره جنوبی است.

طی چهار دهه پس از جنگ کره، این کشور از یکی از بدبخت‌ترین کشورها به قوی‌ترین کشورهای منطقه ارتقا پیدا کرد؛ کره به یک کشور صنعتی قوی تبدیل شده و عملاً فقر، سوءتغذیه و بی‌سوادی را ریشه‌کن کرده است. در منطقه‌ای که تمامی اقتصادهای آن به سرعت در حال رشد هستند، کره جنوبی از دهه ۶۰ میلادی توانسته است، بیش از همسایگان خود GDP سرانه شهروندانش را افزایش دهد. اما با وجود چنین موفقیت‌هایی، این کشور همچنان برای سایر کشورها ناشناخته مانده است. کره توریست‌های بسیار کمی را به خود جذب می‌کند و افرادی که می‌توانند در این کشور انگلیسی صحبت کنند، همچنان اندک شمارند. از نظر جغرافیایی، کره محصور میان سه ابر قدرت افسانه‌ای است؛ چین، ژاپن و روسیه؛ چنین موقعیتی پیام‌آور چالش‌های بزرگ و در عین حال فرصت‌های بزرگ برای کره است. از نظر اقتصادی، این کشور در مرحله حساس و مهمی قرار دارد. اگرچه در دهه گذشته بخش صنعتی و کارخانه‌ای به عنوان موتور رشد، عامل پیشرفت‌های عظیم این کشور بوده، اما برای کامیابی‌های جدید، به بخش خدماتی نیاز دارد که در حد بخش صنعت قوی و قابل اتکا باشد و البته کره نشان داده است که خود چنین مهمی را مد نظر داشته است و در این خصوص سرمایه‌گذاری‌های لازم را انجام می‌دهد؛ سهمی از GDP که در این کشور صرف تحقیق و توسعه (R&D) شود بیش از آلمان، بریتانیا یا ایالات متحده است.

سال گذشته بخشی از کار موسسه مک کینزی به اتفاق شورای بین‌المللی مشورتی، جمع‌آوری نقطه نظرات تعداد کثیری از صاحبان پیشرو در حوزه کسب و کار، اهالی دانشگاه‌ها و سیاست‌گذاران در باب آینده کره و آرایه آن به رییس‌جمهور این کشور بوده است. ماحصل آن کتابی است با عنوان کره ۲۰۲۰، چشم‌انداز جهانی برای دهه آتی. این مقاله از کتاب مذکور انتخاب شده است.

اقتصاد انعطاف پذیر

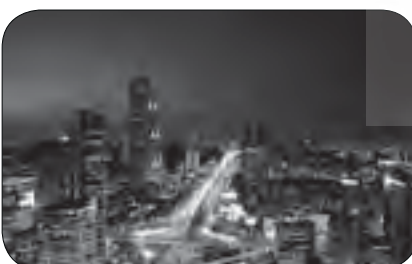
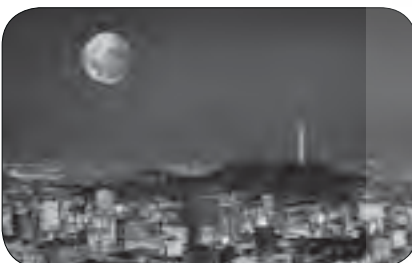
کره جنوبی با اتکای بالا به توانایی‌هایش به خوبی از پس بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸-۹ برآمد. به‌رغم اتکای بالای کره به صادرات در طول رکود اقتصادی، تنها یک فصل متوالی کاهش در تولید ناخالص داخلی از این کشور ثبت شده است؛ بدین ترتیب کره مانع از بروز یک رکود تمام عیار در اقتصادش شده است. در فصل سوم سال ۲۰۰۹ نرخ رشد کره به سطح تقریبی سه درصد بازگشت و نرخ بیکاری بهبود یافت (شایان ذکر است که حتی در بدترین شرایط دوره رکود نرخ بیکاری در این کشور رشد بیش از یک‌درصد به خود ندیده است) و مدت زمانی که طول کشید تا تولید و مصرف به سطح قبل از رکود بازگردند، واقعا کمتر از سه فصل بوده است. در بین «ببرهای اقتصادی آسیا» کره جنوبی، کمترین اثر و ضرر را از بحران اخیر متحمل شد و در عین حال با سرعت بیشتری رونق را تجربه کرد؛ اما چرا اقتصاد کره جنوبی در چنین شرایطی بسیار انعطاف‌پذیر بود؟ زیرا صاحبان کسب و کار و نیز رهبران سیاسی این کشور، فرصت‌هایی که بحران اخیر در معرض اقتصادشان قرار داد، به خوبی تشخیص دادند. تحلیل رایج در کره جنوبی این است که این کشور بین اقتصاد پیشرفته ژاپن و اقتصاد رو به رشد چین محصور است. بزرگ‌ترین معضل کره -یا آن طور که می‌گویند بزرگ‌ترین- این است که کیفیت محصولاتش به پای کیفیت محصولات ژاپن نمی‌رسد و امیدوی هم ندارد که قیمت محصولاتش قابل مقایسه با قیمت محصولات چینی باشد. ولی عملکرد تولیدکنندگان کره در طول بحران، حکایت از وجود مزایای قابل ملاحظه‌ای در این اقتصاد محصور شده میان چین و ژاپن دارد. در دوران بعد از رکود، مصرف‌کنندگان در سرتاسر دنیا، بسیار محتاط شده‌اند. شرکت‌های کره‌ای به خوبی دریافته‌اند که باید با توجه به شاخصه‌هایی مانند فرهنگ، سلیقه و آداب ملل سرمایه‌گذاری کرد و مواردی چون کیفیت بالاتر و قیمت‌های پایین‌تر را در نظر داشت و با اعمال این موارد توانستند در بحران اخیر سهم صادراتی خود را در بازارها افزایش دهند. برای مثال در بازار جهانی گوشی تلفن، سهم کره از ۲۲ درصد در پایان سال ۲۰۰۷ به ۳۳ درصد در سه ماهه سوم سال ۲۰۰۹ افزایش یافت. در واقع نیمی از بازار گوشی‌های تلفن در آمریکا به تنهایی در اختیار تلفن‌های ساخت کره است. سهم جهانی بازار تلویزیون‌های LCD کره نیز از ۲۷ درصد در انتهای سال ۲۰۰۷ به ۳۷ درصد در سال ۲۰۰۹ افزایش یافت و تلویزیون‌های کره‌ای به زودی جایگزین LCDهای ژاپن به عنوان بهترین تولیدکننده این محصول خواهد شد. سهم بازار جهانی

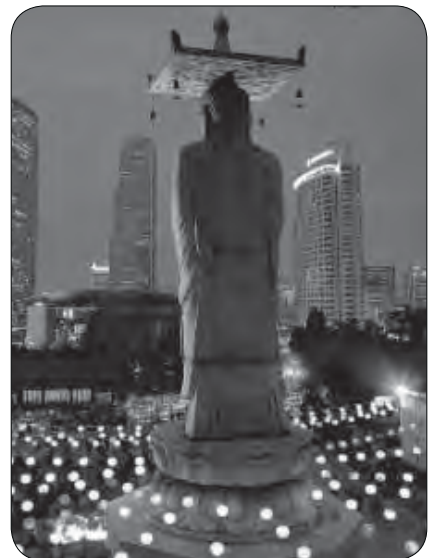
اتومبیل‌های کره‌ای نیز از ۶/۵ درصد در اواخر سال ۲۰۰۷ تا ۹ درصد در سه ماهه سوم سال ۲۰۰۹ افزایش پیدا کرد.

دست‌اندرهایی در جاده ترقی

کاهش ارزش وون (پول کره) در سال ۲۰۰۸ دستاوردهای صادراتی بسیاری را برای کره به همراه داشت، اما به سختی می‌توان عامل اصلی پیشی گرفتن کره از سایر اقتصادها را به این کاهش نسبت داد، بلکه باید اذعان کرد که توانایی تولیدکنندگان کره برای بهبود، درست در میانه رکود نه تنها نشان از تمرکز شدید آنها بر پیشرفت در طراحی و کیفیت محصولات دارد، بلکه حاکی از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آنها برای بازاریابی با توجه به درک شرایط طرفین بازار است تا از این راه بتوانند دیدگاه بهتری از مارک‌های کره در ذهن مصرف‌کنندگان به تصویر بکشند. کمتر از یک دهه پیش شرکت الکترونیک سامسونگ سازنده ابزار الکتریکی مصرفی بود و در بازارهای جهانی شناخته شده نبود. این شرکت به خوبی دریافت که راه برخورداری از زنجیره‌های از دریافتی‌ها داشتن نام تجاری قوی و همگام بودن با تکنولوژی است، لذا در این مسیر گام برداشته و تلاشش به ثمر نشست: در سال ۲۰۰۹ سامسونگ رتبه ۱۹ لیست بهترین مارک‌های جهان را به خود اختصاص داد. در دهه گذشته سریع‌ترین ارتقای رتبه در بین ۱۰۰ مارک برتر از آن شرکت سامسونگ بود. این شرکت حتی از رقیب خود یعنی شرکت سونی که اکنون در جایگاه ۲۹ قرار دارد نیز پیشی گرفته است.

در حالی که کره‌ای‌ها به دهه آتی می‌نگرند، سوال اساسی این است که آیا کره قادر به حفظ مزایا و دستاوردهای استراتژیک خویش است. آیا کره برای مقابله با شوک‌های اجتناب‌ناپذیر اقتصاد جهانی در آینده برنامه صحیحی دارد؟ آیا این کشور می‌تواند از پس مشکلات دیگری که رشد بلندمدت اقتصادی‌اش را تهدید می‌کند، برآید؟ با تعمق در این سوال‌ها، یک اصل مبرهن است و آن این که تلاش کره برای مبارزه با هزینه و مقیاس تولیدات چین محکوم به شکست است. بهترین گزینه برای کره تلاش برای افزودن زنجیره‌های ارزش است. سرمایه‌گذاری نقش تعیین‌کننده در این ترقی خواهد داشت. همان طور که در شکل آشکار است، کارخانجات کره‌جنوبی سابقه مثبتی در سرمایه‌گذاری در ظرفیت تولیدی دارند. میزان سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و توسعه این کشور با توجه به سطح درآمدش، جزو بیشترین‌ها در بین کشورهای دنیاست. این مزیتی است که کره باید آن را حفظ نماید و در این راستا به‌تازگی تصمیم درستی نیز اتخاذ کرده است؛ کره اعلام کرده که در





در حالی که کره‌ای‌ها به دهه آتی می‌نگرند، سوال اساسی این است که آیا کره قادر به حفظ مزایا و دستاوردهای استراتژیک خویش است. آیا کره برای مقابله با شوک‌های اجتناب‌ناپذیر اقتصاد جهانی در آینده برنامه صحیحی دارد؟ آیا این کشور می‌تواند از پس مشکلات دیگری که رشد بلندمدت اقتصادی‌اش را تهدید می‌کند، برآید؟



نظر دارد مالیات کسب و کارهایی را که در امر تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری می‌کنند، کاهش دهد. چنین انگیزه‌هایی نه تنها باید تداوم یابند، بلکه باید آن را در حوزه‌هایی نظیر انرژی‌های جایگزین، فناوری‌های سبز و بیوتکنولوژی نیز اعمال کرد؛ چرا که مزیت رقابتی کره در تکنولوژی و طراحی قوی است، نه در صنایع سنگین که نه تنها از منابع تولیدی کشور به شدت استفاده می‌کند، بلکه قطعا در مقابل رقیبی چون چین برای تصاحب سهم بازار کم می‌آورند. کره در بلندمدت نمی‌تواند تنها بر صنایع و محصولات کارخانه‌ای خود اتکا کند، زیرا سرمایه‌گذاری در صنایع تکنولوژی‌بر، شغل ایجاد نمی‌کند. به دیگر معنا این نوع صنایع ذاتا کاراندوز هستند. اگر کره خواهان دستیابی به رشد و تعادل پایدار است، باید در بخش خدمات که کاربر هستند، اهتمام بیشتری ورزد. در سال ۲۰۰۸ تنها ۶۶ درصد از نیروی کار این کشور در بخش خدمات مشغول به کار بودند، در حالی که این رقم در ژاپن ۷۰ درصد و در ایالت متحده ۸۵ درصد بوده است. نرخ ۳۰ درصدی مشاغل آزاد در اقتصاد کره نشان‌دهنده بخش خدمات متلاشی و بسیار کنترل شده این کشور است، خصوصا که بخش خدمات در این کشور توسط نسل ناکارای گذشته اداره می‌شود (سهم مشاغل آزاد کره بیشترین رقم در بین کشورهای OECD است). مطمئن‌ترین راه حل برای مقابله با این سهم، کمتر از انتظار بخش خدمات، اعطای آزادی سیاسی و اقتصادی بیشتر برای رقابت با خارجی‌ها در حوزه‌های کلیدی مثل بخش‌های مالی، توزیع، خدمات تخصصی و ارتباطات است. باید همزمان سرمایه‌گذاری در امور زیرساختی مانند مراقبت‌های بهداشتی، جذب توریست و آموزش افزایش یابد. همچنین باید به سطح استاندارد زندگی توجه بیشتری شود و به کاهش فاصله طبقاتی میان ثروتمندان و فقرا توجه گردد و درآمد نیز میان مناطق شهری و روستایی باید منصفانه‌تر توزیع شود. هم اکنون نزدیک به نیمی از تولید ناخالص داخلی کره در سئول و شهرهای مجاور صورت می‌گیرد. اختلاف بیش از حد عایدی کره‌ای‌ها مشخصا به خاطر مسکن است، قیمت مسکن در سئول رو به افزایش است؛ اما در مابقی مناطق کشور با کساد مواجه است. دولت کره از فرصتی که رکود اخیر برایش مهیا کرد، استفاده نمود و در زیرساخت‌های مناطق مختلف هزینه کرد. این سیاست، سیاست‌های مکمل خود را می‌طلبد؛ یعنی سیاست‌هایی که تشکیل خوشه‌های اقتصادی محلی را نتیجه دهد. همواره این وسوسه وجود دارد که آینده با توجه به شواهد و فراین گذشته، پیش‌بینی شود؛ اما در مورد کره، این اشتباه محض است. بله درست است که رشد

واقعی تولید ناخالص داخلی این کشور از نرخ متوسط ۶/۳ درصد در دهه ۹۰، به ۵/۲ درصد بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ کاهش یافت و طی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ (درست در میانه رکود) به ۰/۸ درصد سقوط کرد. چنین کاهشی در نرخ رشد، خطراتی است برای کره، مبنی بر اینکه ظرفیت رشدش طی دهه‌های اخیر سالانه به ۳ درصد تنزل یافته است. ما معتقدیم کره می‌تواند نرخ رشد متوسط سالانه ۴ درصد یا حتی بیشتر را حفظ کند، اما این منوط است بر این که بخش دولتی و نیز بخش خصوصی رو به رشد این کشور بر سه اصل حیاتی و بنیادی تمرکز نمایند؛ یعنی تداوم سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و توسعه، اصلاحات در بخش خدمات و توسعه منطقه‌ای. اگر کره در این حوزه‌ها اقدام قطعی اتخاذ نماید، گرچه شک داریم که چنین کند؛ آنگاه کره به یکی از شگفتی‌سازترین و تاثیرگذارترین رشد اقتصادی پس از رکود در آسیا تبدیل خواهد گشت.

چهار قدم رفاه اقتصادی

نویسنده شن دنگلی، استاد دانشگاه و معاون اجرایی موسسه مطالعات بین‌المللی در دانشگاه (Fudan) یکی از سوال‌های پیش روی کره در قرن ۲۱ این است: آیا کره همان گونه که رئیس‌جمهور لی میبوآنگ بک در دوره انتخاباتی مطرح کرد، می‌تواند جزو هفت اقتصاد برتر دنیا باشد؟ احتمالا پاسخ خیر است. البته رتبه و عدد مهم نیست، بلکه مهم کیفیت رشد است. کره در همسایگی رقیب سرسختی چون ژاپن قرار دارد. کشوری که کره مدت‌های زیادی را صرف رقابت با آن نموده است و خود را با آن مقایسه می‌کند. اما ژاپن کشور غنی‌تری است، هم به لحاظ منابع پولی و هم به لحاظ منابع انسانی. از طرفی چین نیز رقیب کره محسوب می‌شود و در حال کم کردن فاصله خود با کره است. از یک طرف ژاپن در فناوری‌های مدرن نسبت به کره پیشرو است و از طرف دیگر چین در حال کاستن فاصله تکنولوژی خود با کره است و از آن جایی که هم جمعیت ژاپن و هم جمعیت چین از کره بیشتر است، بعید است که کره بتواند به پای صرفه‌جویی‌های مقیاس این اقتصادها برسد. در عین حال با احتساب چهار کشور در حال رشد دنیا یعنی برزیل، روسیه، هند و چین احتمال این که کره بتواند جزو هفت اقتصاد برتر دنیا باشد بسیار بسیار ضعیف است. در حقیقت رتبه کره در قیاس با سایر کشورها افول داشته است. مطابق گزارش‌های اقتصادی، کره در سال ۲۰۰۶، یازدهمین اقتصاد بزرگ دنیا بوده است و در سال ۲۰۰۸ به رتبه پانزده تنزل یافت، اما از نظر اقتصاد مادامی که کره بتواند با توان رقابتی‌اش رفاه را برای ملتش به ارمغان

بیاورد، آن‌گاه مهم نیست که آیا اقتصادش از سایر اقتصادها بزرگ‌تر است یا خیر و به نظر من اگر کره از چهار فرصت زیر نهایت بهره‌برداری را داشته باشد، قطعاً می‌تواند به این مهم دست یابد.

شرایط پیشرفت کره جنوبی

۱- تکنولوژی‌هایی را که قابلیت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد، انتخاب کند. حیاتی‌ترین حوزه‌های تکنولوژی حوزه‌هایی چون IT، نانو تکنولوژی، علم زندگی و مهندسی، انرژی و محیط‌زیست، تجهیزات پیشرفته و طب بالینی است. کره در صنعت IT از جمله تکنولوژی‌های به کار رفته در تلویزیون‌های دیجیتال و گوشی‌های همراه پیشرو است، البته این پیشتازی در حال رنگ باختن است و در علوم طبیعی و علوم مهندسی کره مانند سابق قوی نیست و در ضمن باید از تکنولوژی‌های بسیار جدیدی که در آن‌ها اصلاً سابقه‌ای نداشته و بی‌اطلاع است نیز آگاهی نسبی پیدا کند.

کره به عنوان کشوری نسبتاً کوچک، قادر به پیشروی در همه عرصه‌ها نخواهد بود و با توجه به این که عمیقاً از کمبود منابع طبیعی رنج می‌برد، باید تصمیم زیرکانه‌ای بگیرد و میان کمیت و کیفیت علوم در کشورش انتخاب نماید و قاعدتاً بهتر است که در تعداد کمی از علوم فوق‌العاده بود تا این که در بسیاری از علوم در حد متوسط. لذا دولت کره باید با همکاری دانشگاه‌ها و بخش خصوصی، استراتژی ملی علوم کشور را تدوین نماید؛ با این هدف که علمی را که کره‌ای‌ها در آن‌ها برتری دارند، شناسایی کند و این خود گام اساسی است که اقتصاد را به سطوح بالاتر رهنمون می‌سازد. صنعت اتمبیل و تلویزیون نقش مهمی را در اقتصاد کره داشته و دارد، اما ضروری است تا مرزهای اقتصادی جدیدی نیز در نوردیده شوند.

مزیت انتخاب چندین شاخه از علوم و فوق‌العاده بودن در آنها این است که این علوم نقش مهمی را در قدرت یک کشور ایفا می‌کنند. مطابق گزارش آموزشی، علوم و فرهنگ سازمان ملل، کره جنوبی بیش از هر کشور دیگری دانشجو در مقاطع بالای تحصیلی دارد و این دانشجویان به نحو چشمگیری در آزمون‌های علوم و ریاضی نمره خوبی کسب می‌کنند. با این اوصاف، تربیت نسلی از علوم‌دان‌ها و مهندسی‌ان آرزوی دست‌یافتنی‌تری برای کره به نظر می‌رسد.

۲- بازار سرمایه را بیشتر کنترل کند. بازارهای مالی کره شبیه بازارهای مالی ایالات متحده هستند البته کمی کمتر یا بیشتر، بازارهایی که در آنها به آزادی اقتصادی اهمیت زیادی داده شده و همین امر دسترسی کره را به سرمایه و تکنولوژی خارجی ممکن‌تر می‌کند. کره بر گسترش بازارهایش تاکید دارد و در خصوص پذیرش

کره در همسایگی رقیب سرسختی چون ژاپن قرار دارد. کشوری که کره مدت‌های زیادی را صرف رقابت با آن نموده است و خود را با آن مقایسه می‌کند. اما ژاپن کشور غنی‌تری است، هم به لحاظ منابع پولی و هم به لحاظ منابع انسانی. از طرفی چین نیز رقیب کره محسوب می‌شود و در حال کم کردن فاصله خود با کره است

ساختارهای مالی جدید نیز سریع عمل می‌کند، به این امید که جایگاه و کارایی بازارهایش بهبود یابند، اما آزادی بسیار در بازارها می‌تواند توانایی دولت در نظارت و تنظیم بازارهای مالی را کم کند و این امر موجب می‌شود کشور نسبت به شوک‌های وارده از بازارهای خارجی بسیار شکننده و آسیب‌پذیر گردد. در ۱۲ سال گذشته این کشور دو بحران مالی بسیار بدی را تحمل نمود (در هر دو بحران شدت ضربه بیش از سرعت اثرگذاری‌اش بر اقتصاد کره بود، نوسانات کمتر پدیده خوبی است). لذا شایسته است تا دولت و بخش مالی برای برقراری توازن بهتر میان مقررات و آزادی در بازارها، با هم و در کنار کار کنند.

۳- همکاری با چین را شدت بخشد. قطعاً ده سال پیش کره به لحاظ اقتصادی، تکنولوژی، کمیت و کیفیت ساختارهای اقتصادی نسبت به چین برتر بود. اما با گذار زمان این فاصله کمتر شده است و اکنون می‌توان گفت که حفظ برتری کره در حوزه فناوری مدرن در مقابل چین آن هم برای مدت طولانی‌تر غیر ممکن است، چرا که چین افراد بسیار زیادی دارد که در رشته‌های ریاضیات، علوم و مهندسی مشغول به تحصیل هستند. زمان آن رسیده که کره در ذهنیت خود تجدید نظری داشته باشد و به جای این که چین را رقیبی در حد خود و پایین‌تر از خود انگارد، درباره برقراری روابط مبتنی بر همکاری متقابل با چین بیندیشد، البته کره می‌تواند و در آینده نیز خواهد توانست، در مقوله‌هایی نظیر درآمد سرانه تا دو دهه یا حتی بیشتر از چین جلوتر باشد. همکاری این دو کشور و نیز طبقه رو به رشد کشور چین فرصت‌های بی‌حد و حصری در معرض کره قرار می‌دهد که قاعدتاً کره مزیت‌های رقابتی خود را در این فرصت‌ها زیرکانه بر می‌چیند.

۴- نیروی کار کره شمالی را به دارایی اقتصادی تبدیل نماید. سی سال پیش چین محکوم به این بود که

کشوری فقیر باشد، اما بعدها چین نشان داد از فرصتی که برایش به وجود آمد، نهایت استفاده را برده است. چین اجازه داد که سرمایه‌گذاران خارجی از نیروی کار ارزشمندش استفاده کنند. این تحول عمده‌ای در ذهنیت چینی‌ها بود، چرا که رهبران چینی همواره این قضایا را استثمار می‌پنداشتند؛ اما امروزه رهبران چین به این موضوع با این دید می‌نگرند که گویی اجازه می‌دهند کشور از مزایایی چون پول، تکنولوژی و مهارت سرمایه‌گذاران بهره برد. پس استفاده سرمایه‌گذاران خارجی از نیروی کار چین، برای چین نیز منافی دربرداشت. نیروی کار ارزان، عدم وجود اتحادیه‌های مستقل، حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی (تحت نظام کمونیستی) همه این عوامل دست به دست هم دادند تا بازدهی اقتصادی خوبی برای چین به دست بیاید و چین آموخت که از فرصت‌ها برای توسعه اقتصاد فوق‌العاده رو به رشد و پیچیده‌اش نهایت استفاده را داشته باشد. آن نقشی که نیروی کار ارزان چین برای بازارهای بین‌المللی اقتصادی ایفا کرد، نیروی کار کره شمالی نیز می‌تواند برای اقتصاد کره جنوبی ایفا نماید. کره شمالی نیروی کار دارد و کره جنوبی سرمایه. دو کره می‌توانند قدرت اقتصادی شبه جزیره را خلق نمایند.

نیروی کار مهیا

کارگران کره شمالی در کارخانه منسوجات کره جنوبی واقع در پارک صنعتی بین دو کره در کای سانگ، تنها چند صد متر در شمال منطقه غیرنظامی، مشغول به کار هستند. البته استفاده از نیروی کار کره شمالی به مثابه آرزو می‌ماند، چون پیونگ‌یانگ از این موضوع استقبال چندانی نمی‌کند، مگر در مناطق توسعه یافته به دقت تحت کنترلش. اما با کمی صبر و تحمل از جانب کره جنوبی چنین آرزویی محقق می‌گردد. هنگامی که کره شمالی کمی پیشرفت کند، به این موضوع تن داده و حزب حاکم با این توافق قدرتمندتر نیز خواهد شد. رهبران کره شمالی باید همکاری اقتصادی با کره جنوبی را به دید مثبت بنگرند و آن را به مثابه دام بالقوه برای نخبگان حزب حاکمش به منظور کاستن از قدرتش، نپندارد، بلکه کاملاً برعکس، همکاری‌های بیشتر نه تنها قدرت حزبشان را افزایش داده بلکه سطح زندگی در کره شمالی را نیز بهبود می‌بخشد. در مجموع، با توجه به رشد کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین، به‌خصوص چین، موقعیت نسبی اقتصادی کره احتمالاً کم‌رنگ‌تر خواهد شد. با این وجود عملکرد کره در بخش‌های تکنولوژی، آموزش و مالی در خور توجه است و با تداوم همین روند و اتخاذ سیاست‌هایی مناسب سؤال می‌تواند سطح رشد بالا را حفظ نماید. موقعیت‌های بهتری در عرصه جهانی برای کره در پیش است حتی اگر نتواند جز برترین اقتصادهای دنیا باشد. ■